

درک صنعتی یا فرهنگی از دانشگاه

محدثه معینی فر^۱

چکیده

وجود الگوهای مختلف برای دانشگاه‌ها در ایران و جهان نشان‌دهنده‌ی انتظارات مدیران جامعه در هر دوره از دانشگاه است اما آیا واقعاً دانشگاه توانسته است در یک الگوی مناسب و کارآمد مسائل جامعه خویش را حل نماید؟ الگوهای موجود از نسل نخست تا نسل چهارم نشان‌دهنده‌ی کیفیت درک سردمداران هر جامعه از دانشگاه است. برای نمونه، نظام‌های لیبرالی در نظام‌سازی خود انتظارات ویژه‌ای از دانشگاه دارند که آن را تبدیل به یک واحد اقتصادی نموده‌اند. سؤال اساسی این پژوهش آن است که درک صحیح از دانشگاه، رسالت‌ها و مأموریت‌های آن در جامعه‌ی کنونی ایران و پس از گذشت ۴۰ سال از انقلاب اسلامی چیست؟ در میان الگوهای فوق، به نظر نگارنده الگوی مسئولیت محور برای دانشگاه بهترین الگو است تا بتواند نقش جامعه‌سازی و تمدن‌سازی خویش را در فرآیند تمدن‌سازی مدنظر مقام معظم رهبری بازی کند. نگاه حداقلی به دانشگاه در قالب نسل‌های اول تا چهارم نه تنها نتوانسته است دانشگاه را در مسیر درست انجام وظایف خود قرار دهد، بلکه بهره‌مندی حداقلی از این نهاد را برای جامعه در پی داشته است.

کلیدواژه‌ها: دانشگاه، مسئولیت اجتماعی، جامعه، نسل اول، نسل چهارم

^۱ استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، قزوین، رایانامه: Moeginifar@isr.ikiu.ac.ir.

مقدمه

دانشگاه در ایران به‌عنوان یک نهاد علمی در کنار حوزه‌ی علمیه، در عرصه‌ی تولید علم و دستیابی به مرجعیت علمی در جهان در حال نقش‌آفرینی است اما سؤال اساسی این است که آیا دانشگاه در حقیقت در این راه گام برمی‌دارد؟ آیا نقش‌آفرینی در تولید علم برای یک دانشگاه اسلامی - ایرانی بسنده و مناسب است؟ منظور از تولید علم و دستیابی به مرجعیت علمی افزایش تعداد مقالات در مجلات بین‌المللی است یا حل مسائل استانی، ملی و بین‌المللی؟ حجم گسترده‌ای از این سؤالات وجود دارند که پاسخ‌گویی به آن‌ها می‌تواند مسیر پیش‌روی دانشگاه را در جامعه‌ی آینده‌ی ایران مشخص نماید. انتظارات از دانشگاه باید در قالب الگویی مدون توسط وزارت علوم تعریف و تعیین شود که آخرین نسخه از این انتظارات در قالب طرح دانشگاه کارآفرین ارائه شده است که ضمن نادیده گرفتن نقش علوم انسانی در حل مسائل جامعه، دانشگاه را به مسلخی خواهد برد که جز ناامیدی و فلاکت برای دانشگاه و جامعه ثمری دربر نخواهد داشت. بر همین اساس، سؤال اساسی در این پژوهش آن است که درک صحیح از دانشگاه، رسالت‌ها و مأموریت‌های آن در جامعه‌ی کنونی ایران و پس از گذشت ۴۰ سال از انقلاب اسلامی چیست؟ این پژوهش بر این فرضیه استوار است که درک صحیح از دانشگاه، رسالت‌ها و مأموریت‌های دانشگاه باید مبتنی بر الگوی مسئولیت اجتماعی دانشگاه از منظر اسلامی باشد و سایر الگوهای ارائه‌شده در این زمینه هرگز قادر به تأمین نظر و انتظارات یک جامعه اسلامی از دانشگاه نیست. این مقاله از چند بخش اساسی تطور تاریخی دانشگاه در جهان، دیدگاه‌ها درباره‌ی ماهیت دانشگاه و مدل مسئولیت اجتماعی دانشگاه تشکیل شده است که به تفصیل درباره‌ی هر یک، توضیحاتی بیان خواهد شد.

تطور تاریخی دانشگاه در جهان

برای دریافت صحیح از جایگاه دانشگاه، ابتدا باید سیر تطور آن را در جهان مرور کرد تا هم فراز و فرودهای پیش روی آن بررسی شوند و هم پشتوانه‌های اندیشه‌ای آن تعیین گردند. ظهور دانشگاه در اروپا با سیطره‌ی کلیسا هم‌زمان است که در نتیجه تاریخ، شاهد حاکمیت اندیشه‌های دینی بر دانشگاه بوده است اما در سده‌های هجدهم به بعد اندیشه‌های نوین جایگزین اندیشه‌های دینی می‌شود و زمینه برای تأسیس دانشگاه مدرن شکل می‌گیرد. در این دوره، سیطره‌ی کلیسا جایش را به دولت‌ها می‌دهد. در واقع، دانشگاه‌ها به دولت‌ها وابسته و در خدمت دولت‌ها هستند. تحول دانشگاه‌ها در دوران مدرن به سه دوره‌ی کلاسیک، لیبرال و سازمان‌یافته تفکیک می‌شود. در مدرنیته‌ی کلاسیک، دانشگاه در تولید دانش نقش محوری نداشت. ظهور

روش تجربی از یک سو و عقل‌گرایی مدرن از سوی دیگر، تجسم بخش این گرایش است. با ظهور انقلاب فرانسه، مدرنیته‌ی لیبرال آغاز می‌شود. دانشگاه در این دوره به منزله‌ی یک نهاد تولیدکننده‌ی دانش، با نخبگان متخصص خود در خدمت دولت - ملت قرار گرفته و عهده‌دار تدوین فرهنگ ملی می‌شود. با زوال مدرنیته‌ی لیبرال پس از جنگ جهانی، مدرنیته‌ی سازمان‌یافته شکل می‌گیرد که عرضه‌ی نیروی کار ماهر از کارکرد جدید آن به حساب می‌آید (شیری، ۱۳۹۲، ۲۲۶). دانشگاه‌های آمریکای شمالی نیز با بهره‌گیری از اندیشه‌های لیبرالیستی به‌جای تأکید صرف بر آموزش، بر پژوهش‌های تقاضامحور تمرکز نمود و در نتیجه، ضمن درآمدزایی برای دانشگاه، نیاز دولت‌ها و کارفرماهای صنعتی را نیز برطرف ساخت. ارتباط این دانشگاه‌ها با صنعت و جامعه به صورتی کاملاً آزاد و لیبرال و به‌گونه‌ای متکثر شکل گرفت. در واقع این دانشگاه‌ها که با لیبرالیسم و دموکراسی ارتباطی تنگاتنگ دارند، از بطن طبقه‌ی متوسط جامعه برآمدند و تثبیت اقتصادی و فرهنگی این طبقه را در دستور کار خود قرار دادند. بر اساس اندیشه‌های لیبرالیستی، جامعه‌ی مخاطب دانشگاه‌های جدید جامعه‌ی بین‌المللی و بازار جهانی خواهد بود و در نتیجه، نقش اعضای هیئت‌علمی به جهت تنوع برنامه‌ها و گزاره‌ها بسیار کلیدی است اما نکته‌ی قابل‌تأمل آن است که اگرچه این دانشگاه‌ها از نظارت دولت‌ها آزاد هستند اما در عمل در خدمت قدرت‌های بزرگ اقتصادی است. دانشگاه‌هایی که به‌جای اهمیت دادن به انسان و ارزش‌های انسانی و محیط پیرامون بشر، به افزایش درآمدهای حاصل از قراردادهای صنعتی توجه بیشتری دارند (ماحوزی، ۱۳۹۹، ۲۹۵-۲۹۸).

جدول ۱) سیر تحول دانشگاه‌ها از منظر تحولات تاریخی

انواع	بازه زمانی	تمرکز	مأموریت و هدف
نسل اول	۱۸۰۰-۱۰۸۸	آموزش صرف	آموزش و تربیت نیروی انسانی متخصص
نسل دوم	۱۸۰۰-۱۹۶۰	پژوهش در کنار آموزش	پژوهش و تولید علم در کنار تربیت نیروهای انسانی
نسل سوم	۱۹۶۰ تاکنون	کارآفرینی در کنار پژوهش و آموزش	تربیت نیروهای انسانی کارآفرین و برقراری ارتباط تنگاتنگ با صنعت و جامعه

(منبع: محمدپور و همکاران، ۱۳۹۸، ۳۷۲)

علاوه بر این سه نسل، امروزه از نسل چهارم دانشگاه‌ها نیز سخن به میان آمده است. هرچند این نوع از دانشگاه‌ها در ادبیات نظری رویکرد جدیدی است و بیان خصوصیات آن نیازمند

تأمل بیشتری است اما باید اذعان نمود که این نسل از دانشگاه‌ها به دنبال ساختن آینده‌ی جامعه خود به صورت فعالانه هستند (لوکویچ و زوتی^۱، ۲۰۱۳، ۱۱).

دیدگاه‌ها درباره ماهیت دانشگاه

سخن گفتن از ماهیت دانشگاه کار ساده‌ای نیست. البته صحبت از ماهیت دانشگاه در جهان بسیار ساده‌تر است، زیرا دانشگاه در یک روند مشخص در مداری قرار گرفته است که انتظارات از آن بر اساس نیازهای جامعه تعیین شده است که می‌توان از دو نظریه‌ی عمده‌ی نئولیبرالیسم و نئوسوسیالیست در این زمینه یاد کرد. بر همین اساس، در توصیف و تبیین ماهیت دانشگاه‌ها در دنیا می‌توان از دو روش بهره برد. الف- بررسی ویژگی‌های نسل اول تا چهارم دانشگاه‌ها که این ویژگی‌ها بیشتر تبیین‌کننده‌ی دو نظریه‌ی بالا نیز هستند. در جدول ۲ تصویری کوتاه و روشنی را از ماهیت دانشگاه بیان می‌کنند. در این جدول، با بیان هدف، نقش، خروجی، روش، زبان، جهت‌گیری، مدیریت و اتکای مالی تلاش شده است تا ماهیت دانشگاه در دنیا به نمایش گذاشته شود.

جدول ۲- ویژگی‌های دانشگاه‌های نسل اول تا نسل چهارم

ابعاد	نسل اول	نسل دوم	نسل سوم	نسل چهارم
هدف	آموزش	آموزش و پرورش	آموزش و پرورش و بهره‌گیری از دانش	آموزش و پرورش و بهره‌گیری از دانش و توسعه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی
نقش	حفاظت از حقیقت	شناخت طبیعت	ایجاد ارزش افزوده	خلق اهداف راهبردی و ایفای نقش موتور محرک در جامعه و اقتصاد محلی
خروجی	متخصصان	متخصصان و دانشمندان	متخصصان، دانشمندان و کارآفرینان	متخصصان، دانشمندان، کارآفرینان و اقتصاد محلی رقابتی و جامعه‌ی بهتر

¹ Lukovics & Zuti

روشن	مدرسی	تک رشته	چند رشته	میان رشته‌ای
زبان	لاتین	ملی	انگلیسی	چندزبانه (انگلیسی و ملی)
جهت گیری	جهان شمول	ملی	جهانی	تعریف نشده است
مدیریت	رئیس	دانشمندان پاره وقت	مدیریت حرفه‌ای	مدیریت حرفه‌ای و متخصصان محلی
اتکای مالی	سلطنت	دولت و شهریه‌ی دانشجویان	بدون حمایت مالی مستقیم و دخالت دولت	تعریف نشده است

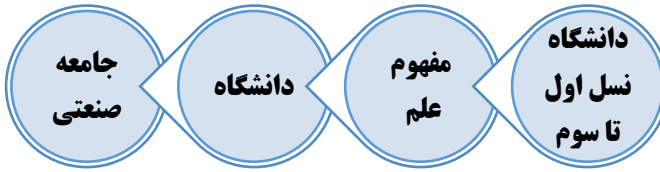
(Lukovics & Zuti, 2017, 42-43).

ب- بررسی چشم‌اندازهای دانشگاه‌ها که برای دستیابی به ماهیت دانشگاه می‌توان از راه دیگری نیز عمل کرد و آن، بررسی چشم‌اندازهای دانشگاه‌ها هستند. در بررسی انواع چشم‌اندازهای دانشگاه‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد. چشم‌انداز یادگیری لیبرال: پرورش عادات ذهنی و توانایی‌های فردی دانشجویان جهت تفکر و استدلال برای حل مسائل گوناگون. چشم‌انداز پژوهش: ایجاد انگیزه و حرکت در استادان و دانشجویان برای پژوهش علمی و گسترش دانش‌های جدید. چشم‌انداز حرفه‌ای: رشد توانایی‌ها و مهارت‌های تخصصی لازم جهت اشتغال موفق افراد. چشم‌انداز رشد دانشجو: توجه به نیازهای دانشجویان و رشد انسانی آن‌ها در سطوح و ابعاد گوناگون. چشم‌اندازهای افراط‌گرا: رفع هرگونه اقتدار نسبت به فراگیران با طرح پیشنهادهای انسان‌گرایانه‌ی افراطی. چشم‌انداز تعهد اجتماعی: تأکید بر مسئولیت‌ها و وظایف دانشگاه‌ها نسبت به جامعه. چشم‌انداز دانشگاه‌های چندمنظوره: تلاش برای تحقق تمام نیازها و انتظارات آموزشی، پژوهشی، حرفه‌ای و خدماتی (محمدی چابکی، ۱۳۹۸، ۱۸). البته هیچ‌یک از این روش‌ها در تبیین ماهیت دانشگاه در ایران کاربرد چندانی ندارند، زیرا انتظار می‌رود دانشگاه متأثر از نهاد علم و فلسفه‌ی آموزش عالی در هر کشور باشد، اما آنچه مسلم است این است که دانشگاه در ایران از دیدگاه ارزشی به نهاد علم و فلسفه‌ی آموزش عالی فاصله زیادی دارد و نتوانسته است در این مسیر گام‌های مؤثری بردارد. در حال حاضر نیز در ایران بسیاری به دنبال تحقق دانشگاه‌های نسل سوم یعنی دانشگاه کارآفرین هستند. این در حالی است که حتی دانشگاه نسل دوم هم در ایران به‌درستی تحقق نیافته‌اند. دانشگاه نسل سوم دانشگاهی است که در آن تمام فعالیت‌های اعضا، از قبیل آموزش و پژوهش و غیره به‌گونه‌ای مدیریت و اجرا می‌شود که دانشگاه به‌عنوان نهاد یا شبه شرکتی اقتصادی تلقی

شود؛ یعنی جهت‌گیری این فعالیت‌ها در جهت سوددهی و کسب مزیت‌های رقابتی اقتصادی باشد (محمدپور و همکاران، ۱۳۹۸، ۳۷۰). با توجه به اینکه پژوهش‌های انجام‌شده در ایران بیشتر از آن‌که با نیازهای جامعه ایرانی منطبق باشد، بر تعداد تأکید دارد، در نتیجه، شاهد رشد علمی در رتبه‌بندی‌های جهانی هستیم اما این پژوهش‌ها هیچ نقشی را در صنعت و اقتصاد ایران ایفا نمی‌کنند. دانش‌آموختگانی که بیش از مهارت‌های حرفه‌ای و کارآفرینی در رشته‌ی تحصیلی خود، در پی پذیرش و چاپ مقالات خود در مجلات بین‌المللی هستند. بیکاری روزافزون دانش‌آموختگان دانشگاهی، کاهش فروش نفت و تحریم‌های اقتصادی ضرورت توجه به ارتباط دانشگاه و صنعت را به‌خوبی نشان می‌دهد. اگرچه ارتباط روزافزون دانشگاه‌ها با صنعت، موتور محرک توسعه‌ی اقتصادی، اشتغال‌زایی، نوآوری، افزایش درآمد دانشگاه‌ها و استقلال هر چه بیشتر آن‌ها از دولت و درآمدهای دولتی خواهد بود اما باید خاطر نشان کرد که می‌تواند آثار و تبعات منفی مانند تقلیل جایگاه دانشگاه را نیز به همراه داشته باشد. مصرف‌گرایی علمی بدون توجه به پشتوانه‌های اخلاقی آن دستاوردی جز زوال دانشگاه در بر ندارد. باید قبول کرد که دانشگاه‌های کارآفرین استقلال خود را از دست داده‌اند و همچون برده‌ای در خدمت نظام سرمایه‌داری جهت تولید هرچه بیشتر کالاها و فناوری‌های صنعتی هستند و در این بین اخلاق و ارزش‌های انسانی جایگاهی ندارد. هدف از تأسیس دانشگاه‌ها، فقط تسهیل راه توسعه اقتصادی نیست بلکه تربیت و پرورش نسلی بانگیزه، متعهد و مسئولیت‌پذیر نسبت به خود، دیگران و جهان است که قطعاً در دانشگاه نسل سوم هم نمی‌توان به آن دست یافت. بر همین اساس، با ملاحظاتی می‌توان دیدگاه چهارمی را پیشنهاد نمود که می‌توان از آن با عنوان دیدگاه مسئولیت اجتماعی یاد کرد. البته این دیدگاه، دیدگاهی است که از درون چشم‌اندازهای مطرح میان دانشگاه‌ها قابل‌دستیابی است. البته شاید برای این مدل، هنوز نظریه‌پردازی و نظام‌سازی مناسبی صورت نگرفته باشد، اما به توضیح این موارد اشاره خواهد شد.

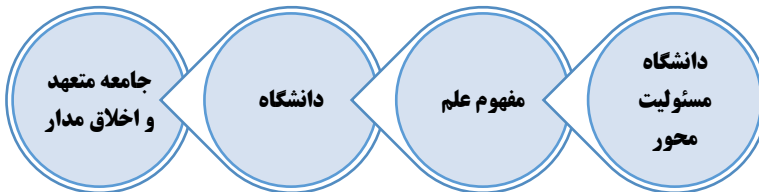
مدل مسئولیت اجتماعی دانشگاه

برای حرکت از درک صنعتی به درک فرهنگی از دانشگاه لازم است به طرحی از دانشگاه برسیم که نگاه متعالی نسبت به دانشگاه را تأمین نماید. از دیدگاه نگارنده، مدل مسئولیت اجتماعی دانشگاه می‌تواند در این راستا بسیار مؤثر باشد. برای درک این نظریه در یک مدل مقایسه‌ای نشان خواهیم داد که چرا مدل مسئولیت اجتماعی می‌تواند بهترین گزینه پیش‌روی دانشگاه‌های کشور باشد.



شکل ۱) مدل نسل اول تا سوم

آنچه در این مدل باید توضیح داده شود این است که با توجه به مفهوم علم و دانش که خود از مباحث بحث‌برانگیز است، دانشگاه جهت‌گیری متفاوتی خواهد داشت. نگاه آلی و ابزاری به علم و پس‌از آن به دانشگاه تنها برای یک جامعه‌ی صنعتی مفید است که فقط توسعه را توسعه‌ای مادی تعریف می‌کند. نگاه مادون به علم و دانشگاه و تقلیل آن‌ها به ابزاری برای دستیابی به توسعه‌ی مادی تنها می‌تواند دانشگاه را به مکانی تبدیل کند که دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی در آن برای تأمین نیازهای اقتصادی خود و جامعه خواهند کوشید. البته تأمین نیازهای اقتصادی در جامعه نیز دارای اولویت است اما در نگاه درست‌تر تأمین نیازهای اقتصادی در کنار تأمین نیازهای اجتماعی و فرهنگی می‌تواند مسیر درستی را برای پیشرفت جامعه فراهم کند.



شکل ۲) مدل پیشنهادی مسئولیت اجتماعی دانشگاه

در مدل بالا، دانشگاه مسئولیت محور است که می‌تواند جامعه‌ی متعهد و اخلاق مدار را در پی داشته باشد. در این مدل، علم دارای ارزش ذاتی است و دستیابی به آن نه فقط برای تأمین نیازهای مادی بشری، بلکه برای تعالی بشریت خواهد بود. دانشگاه برخاسته از این علم

نیز وظیفه و مسئولیت خویش را در ارتقا و تعالی زندگی مادی و معنوی اعضای جامعه‌ی خویش می‌بیند و در این راستا می‌کوشد. نگاه متعالی به علم و دانشگاه، سبب می‌شود دانشگاه در مسیر تمدن‌سازی، جایگاه خویش را بیابد و در تعریف مسئولیت‌ها و وظایف خویش به افقی نظر کند که تاکنون خارج از دید دانشگاه‌های دنیا و ایران بوده است. برای تبیین بهتر این مدل لازم است تا رسالت‌ها و مأموریت‌های دانشگاه و نقش اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان نیز در این زمینه روشن شوند.

رسالت‌ها و مأموریت‌های دانشگاه در مدل مسئولیت محور

دانشگاه مسئولیت محور، باید رسالت‌ها و مأموریت‌های خویش را در دو حوزه‌ی خاص و عام تعریف نماید. بخشی از این رسالت‌ها، باید مختص خود دانشگاه باشد و بخشی نیز ناظر بر جامعه باشد. بر همین اساس و با توجه ویژه به فرمایشات مقام معظم رهبری، رسالت‌ها و مأموریت‌های دانشگاه به چند گروه تقسیم و توضیح داده می‌شوند. الف) رسالت‌های دانشگاه در حوزه‌ی منابع انسانی: منظور از رسالت‌های دانشگاه در این حوزه این است که دانشگاه چه گام‌های مؤثری می‌تواند برای تربیت نیروی انسانی بردارد. در بخش ناظر به خود دانشگاه، دانشگاه یک وظیفه دارد و آن تربیت نیروی انسانی برای صنعت، سازمان‌ها و سایر نهادهای خصوصی و دولتی در کشور است؛ درحالی‌که در بخش عام، تربیت شهروندانی منظم و قانون-مدار رسالت و مأموریت یک دانشگاه مسئولیت اجتماعی محور است. البته با افزودن عنصر اسلام به این مدل، باید دانست که در مدل اسلامی قطعاً تربیت انسان خدامحور و باایمان می‌تواند برای دانشگاه در یک جامعه اسلامی، یک رسالت یا مأموریت تلقی شود. بر همین اساس، رهبر معظم انقلاب به این موضوع در سیاست‌های کلی علم و فناوری اشاره کرده‌اند: تربیت اساتید و دانشجویان مؤمن به اسلام، برخوردار از مکارم اخلاقی، عامل به احکام اسلامی، متعهد به انقلاب اسلامی و علاقه‌مند به اعتلای کشور (سیاست‌های کلی علم و فناوری (نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری)، ۱۳۹۳/۰۶/۲۹). ب) رسالت‌های دانشگاه در پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه: در این حوزه، دانشگاه وظیفه دارد که شرایط لازم را برای پاسخ به نیازهای جامعه فراهم آورد. نیازهای جامعه می‌تواند دامنه گسترده‌ای داشته باشد. از پاسخ‌گویی به نیازهای صنعت تا حل مسائل زیست‌محیطی، رفع مشکلات اقتصادی، چاره‌جویی برای مشکلات فرهنگی و غیره. در دانشگاه‌های نسل اول تا نسل سوم، تمرکز بیشتر دانشگاه بر حل مسائل اقتصادی یا صنعتی بوده است که این خود تقلیل جایگاه دانشگاه را نتیجه می‌دهد؛ بنابراین، با توجه به تقسیم وظایف به عام و خاص، دانشگاه باید با انجام طرح‌های پژوهشی

داخلی، گره از مشکلات خویش در حوزه‌های مختلف آموزشی، پژوهشی، مدیریتی و غیره بگشاید و در حوزه‌ی عام نیز با تمرکز بر مسائل استان یا کشور گام‌های مؤثری در جهت حل آن‌ها بردارد. بر همین اساس، رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: "فرض کنیم وزارت علوم یک وزارت اقتصادی نیست اما می‌تواند نقش ایفا کنند در تقویت اقتصاد ملی. فرض بفرمایید که در تزه‌های دکتری و کارشناسی ارشد و مانند این کارهایی که می‌کنند، این‌ها را راهنمایی کنند، هدایت کنند تا در خدمت اقتصاد ملی قرار بگیرد؛ مسائل داخلی را حل کند، مشکلات داخلی کشور را حل کند" (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۶/۰۳/۲۲). با توجه به فرمایش ایشان در این زمینه می‌توان به‌طور حتم، وظیفه‌ی دانشگاه مسئولیت اجتماعی محور را حل مسائل مختلف جامعه‌ی خویش دانست. همچنین، ایشان در همین راستا، درباره‌ی دوران دفاع مقدس که مصداق بارز نیاز کشور و جامعه به ظرفیت نخبگان و دانشگاه‌ها بود، می‌فرماید: "ما در دوران دفاع مقدس مشکلات فراوانی داشتیم، خلأهای بی‌شماری داشتیم، این خلأها پر نمی‌شد. به‌تدریج دانشگاه‌ها وارد میدان شدند و بسیاری از این خلأها که ما فکر نمی‌کردیم یک‌وقتی بتوانیم این‌ها را پر کنیم، به‌وسیله‌ی همت دانشگاه‌ها و همت اساتید ما و جوانان ما و دانشمندان ما پر شد. ما در زمینه‌های اقتصادی، در زمینه‌های فرهنگی، در زمینه‌های سیاسی، در زمینه‌های مدیریتی می‌توانیم این خلأهایی را که وجود دارد، پر کنیم. دانشگاه‌ها می‌توانند موضوعات پژوهشی را در دستور کار قرار دهند و این خلأها را پر کنند؛ بنابراین یکی از معیارها و ضابطه‌ها باید این باشد که کار علمی در خدمت نیازهای کشور قرار بگیرد" (بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۲/۰۵/۱۵). جمله‌ی پایانی و طلایی ایشان در بیان این وظیفه‌ی دانشگاه‌ها، به‌خوبی جایگاه دانشگاه مسئولیت اجتماعی محور را در نظام و حکومت اسلامی نشان می‌دهد؛ بنابراین، دانشگاه مسئولیت اجتماعی محور آن دانشگاهی است که یک جامعه‌ی اسلامی به آن نیاز دارد؛ یعنی دانشگاهی که وظایف خود را محدود به یک بخش یا چند بخش نداند بلکه از نیروی تمامی نخبگان خود در همه رشته‌ها برای حل مسائل جامعه استفاده نماید و در یک برنامه‌ریزی منسجم و هماهنگ و توزیع مناسب نیروی انسانی در بخش‌های مختلف از یاری آنان بهره‌مند شود. (ج) رسالت‌های دانشگاه در افزایش استقلال و عزت و اقتدار کشور: از آنجایی که علم نقش بسیار مهمی در حفظ استقلال و عزت و اقتدار یک کشور دارد، هر چه جلوتر می‌رویم، گسترش فناوری‌ها و علوم و فنون مختلف ما را به این نتیجه می‌رساند که سخن گفتن از قدرت‌ها در آینده، سخن گفتن از قدرت‌های مترقی علمی است که در ابعاد علمی فعالیت‌های اقتصادی نیز پیشی گرفته‌اند. شاید تفکیک میان وظایف عام و خاص در این حوزه میسر نباشد اما آنچه مسلم است این است که حرکت در جهت استقلال و عزت

کشور می‌تواند دستاوردهای بسیاری نیز برای دانشگاه‌ها داشته باشد که از جمله‌ی آن ارتقای رتبه آن دانشگاه‌ها در میان دانشگاه‌های کشور، دستیابی به موقعیت تصمیم‌سازی درباره‌ی امور مهم و سرنوشت‌ساز و فرصت‌سازی برای پیشرفت خود و اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان خویش است. بر همین مبنا، رهبر انقلاب در این باره می‌فرماید: "دانشگاه ما اگر اسلامی باشد، خواهد توانست بار علمی و اداری جامعه را در جهت استقلال و آزادی و سربلندی کشور بر دوش بکشد و پایه‌ای برای رشد و تعالی علمی و سیاسی در آینده باشد" (حکم انتصاب نمایندگان رهبری در دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۶۸/۰۷/۱۵). (د. رسالت‌های دانشگاه در فرهنگ‌سازی در مسائل مختلف: دانشگاه مسئولیت‌پذیر در عرصه‌ی اجتماع، خود را در موضوع فرهنگ‌سازی نیز مسئول می‌بیند و فرهنگ جامعه نیز از دغدغه‌های جدی آن است، زیرا فرهنگ هر جامعه به‌منزله‌ی حیات آن جامعه است. فرهنگ جامعه ریشه و اساس آن جامعه است که همیشه محتاج نگهداری و نگهداری است. یکی از این نگهداران، دانشگاه‌ها هستند که باید از طریق فعالیت‌های مختلف در این حوزه گام‌های مؤثری بردارند. البته این احساس وظیفه‌ی دانشگاه‌ها باید بر بستر مناسبی قرار گیرد که رهبر انقلاب به این پیوند میان دانشگاه‌ها و دستگاه‌های اجرایی به‌حق اشاره نمودند: "اگر دستگاه‌های مدیریتی کشور بتوانند ارتباط سازمان‌یافته‌ای با دانشگاه در زمینه‌های سیاسی و مسائل فرهنگی و تربیتی و همچنین ارتباط حوزه و دانشگاه پیدا کنند، بدون شک حضور ذهن‌های برجسته‌ی دانشگاهی در مجموعه‌های تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز نظام می‌تواند تأثیرات بزرگی بگذارد" (بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۱/۰۸/۲۲). در این بیانات، وظیفه‌ی دستگاه‌های اجرایی است که دانشگاه‌ها را به اتاق فکر خود دعوت نمایند و از اندیشه‌ی اعضای هیئت‌علمی بهره ببرند. البته به نظر می‌رسد برای دستیابی به دانشگاه مسئولیت اجتماعی محور گام را باید فراتر گذاشت و دانشگاه خود در این راستا اقدام نماید و در تلاش باشد که با دعوت از دستگاه‌های اجرایی کشور و نیازسنجی آنان، بودجه‌های پژوهشی را به‌سوی خود هدایت کنند و در عین حال، با انعقاد قراردادهای مناسب ضمن تأمین نیازهای مالی خویش، در حل مسائل فرهنگی نیز بکوشند. ه) رسالت‌های دانشگاه در دستیابی به عدالت اجتماعی: از رسالت‌های دانشگاه تراز یا مسئولیت اجتماعی محور، تلاش برای ایجاد و گسترش عدالت اجتماعی در عرصه‌های مختلف در جامعه است. دانشگاه از راه‌های مختلف می‌تواند در تحقق این موضوع بکوشد. علاوه بر توجه به عدالت آموزشی در محیط دانشگاه و خارج از آن که دانشگاه می‌تواند نقش ویژه‌ای در تحقق آن داشته باشد، ایجاد فضاهای مؤثر برای طرح مباحث مربوط به عدالت اجتماعی و ایجاد زمینه برای مطالبه‌گری عدالت اجتماعی از وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی دانشگاه است.

نهاد علمی چون دانشگاه باید زمینه‌ساز نظام‌سازی در حوزه‌های مختلف شود. یکی از این حوزه‌ها، حوزه عدالت اجتماعی است که نیازمند فعالیت‌های علمی دقیق، ساماندهی شده و یکپارچه است. رهبر انقلاب ضمن آن که دستیابی به عدالت اجتماعی را از اهداف نظام و حکومت اسلامی معرفی می‌کنند، بیان می‌دارند: "در عدالت اجتماعی هنوز به نقطه‌ی موردنظر اسلام - که آرزوی خود ما بوده است - نرسیده‌ایم. این هم از نقطه‌ضعف‌های ماست. این ضعف‌ها را بایستی جبران کنیم. این‌ها ضعف‌هایی است که نمی‌شود از آن‌ها گذشت. هم مسئولین، هم آحاد مردم باید احساس کنند وظیفه‌دارند این ضعف‌ها را برطرف کنند. ان‌شاءالله باید از خدای متعال کمک بخواهیم و این ضعف‌ها را برطرف کنیم و البته می‌شود برطرف کرد. این‌ها بدون تردید برطرف کردنی است" (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

از بیانات ایشان می‌توان دریافت که دستیابی به عدالت اجتماعی نه تنها از وظایف حکومت اسلامی است، بلکه بر آحاد مردم نیز واجب است. بر همین مبنا می‌توان به این نتیجه رسید که دانشگاه نیز به‌عنوان بخشی از جامعه یا بخشی از حکومت اسلامی عهده‌دار این وظیفه است، زیرا این وظیفه بر همه واجب است و از دامنه‌ی گسترده مکلفان به آن می‌توان بهره برد و این وظیفه را برای دانشگاه نیز در نظر گرفت. بر همین اساس، دانشگاه مسئولیت اجتماعی محور باید در زمینه‌ی تحقق عدالت اجتماعی در جامعه و تحقق عدالت آموزشی در محیط خود به‌علاوه‌ی جامعه فعالیت نماید. (و رسالت دانشگاه در حفظ و تداوم انقلاب اسلامی: در جامعه‌ی اسلامی و پس از انقلاب اسلامی، هرچند دانشگاه مولود این انقلاب نیست، اما باید فرزند مشروع آن باشد. دانشگاه موروثی غربی که هیچ نشانی از فرهنگ اسلامی - ایرانی ندارد، طی این ۴۰ سال با پوشیدن رخت‌های عاریه‌ای نتوانسته است در خدمت جامعه‌ی خویش باشد، چه برسد به انقلاب اسلامی. رسالت دانشگاه مسئولیت اجتماعی محور حفظ ارزش‌هایی است که دستاورد انقلاب اسلامی است. دستاوردهایی که خون میلیون‌ها انسان پاک در راه آن به زمین ریخته شده است. وجود برنامه‌های مناسب علمی، فرهنگی و غیره در دانشگاه با هدف حفظ ارزش‌های انقلاب اسلامی، بسیار ضروری است و بر اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان واجب است که در این زمینه فعالیت کنند. بر همین اساس، مقام معظم رهبری در سیاست‌های کلی علم و فناوری به این مهم اشاره کرده‌اند: "حفظ موازین اسلامی و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی در استفاده از علم و فناوری" (سیاست‌های کلی علم و فناوری (نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری)، ۱۳۹۳/۰۶/۲۹). علاوه بر این، ایشان در تبیین دانشگاه دین‌مدار یا اسلامی می‌فرمایند: "دانشگاه جهت‌دار و دین‌دار، به‌شدت متمایل به ارزش‌های انقلابی و اسلامی است. البته ارزش‌های انقلابی از ارزش‌های اسلامی به‌هیچ‌وجه تفکیک‌پذیر

نیست و این‌ها باهم یکی است. کسی نمی‌تواند بگوید من مسلمانم اما انقلاب را قبول ندارم، یا بگوید من انقلابی هستم اما اسلام را قبول ندارم! امروز زنده‌ترین تپش‌های انقلابی در اینجاست. بسیج‌کننده‌ترین نیروهای مردمی، این انقلاب است. درحالی‌که سرتاسر دنیا، انباشته از انقلاب‌های گوناگون است. پس انقلابی غیر اسلامی و اسلامی غیرانقلابی نداریم. ارزش‌های انقلابی، همان ارزش‌های اسلامی است" (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و دانشگاهیان، ۱۳۶۸/۰۳/۲۳). ایشان در کلام خویش با یکسان دانستن ارزش‌های انقلابی و ارزش‌های اسلامی، تعهد به این ارزش‌ها را وظیفه‌ی آحاد مردم دانسته‌اند. در نتیجه، از وظایف دانشگاه این است که در حفظ ارزش‌های اسلامی-انقلابی بکوشد و از تمام ظرفیت‌های خود برای تحقق آرمان‌های اسلامی و انقلابی بهره‌برد.

وظایف و نقش اعضای هیئت‌علمی در مدل مسئولیت اجتماعی دانشگاه

در راستای تبیین این مدل لازم است به وظایف و مسئولیت‌های اعضای هیئت‌علمی نیز اشاره شود. در این مدل، از اعضای هیئت‌علمی علاوه بر انجام فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی، انجام فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی نیز مطالبه خواهد شد و آیین‌نامه‌ی ارتقا نیز باید بر این اساس تغییر یابد. اختصاص ساعت‌هایی از حضور استادان در دانشگاه به انجام امور فرهنگی و اجتماعی مربوط به استان یا کشور ضمن آن‌که می‌تواند تأثیر این گروه از نخبگان را در جامعه افزایش دهد و زمینه‌ساز حل مسائل جامعه شود، برای خود استادان نیز فواید بسیاری خواهد داشت. ایجاد دغدغه‌ی کار فرهنگی و اجتماعی برای نخبگان می‌تواند ضمن هدایت استعداد و توانمندی‌های آنان در مسیر پیشرفت جامعه، بهره‌مندی از فواید اقتصادی و کسب پایگاه اجتماعی را برای آنان در پی داشته باشد. بر همین اساس، مقام معظم رهبری به موضوع انقلاب فرهنگی اشاره می‌کند و از نقش استادان و دانشجویان در جریان این اتفاق سخن می‌گوید و در ادامه، وظیفه‌ی استادان را در انجام کارهای فرهنگی و اجتماعی تبیین می‌کند: بعد از انقلاب، برای انقلاب فرهنگی به معنای برگرداندن محیط دانشگاه به جهت‌گیری اسلامی واقعاً تلاش مشکوری شده است. تعدادی از اساتید، تعدادی از دانشجویان و تعدادی از مسئولان گوناگون، واقعاً کارهایی کردند که جزو ذخایر جاودانه‌ی آن‌ها پیش خدا و پیش این ملت است. این کارها تماماً مشکور، لیکن نیمه‌تمام است و کامل نیست. شورای عالی انقلاب فرهنگی باید یکی از اهم وظایف و واجبات خودش را این قرار بدهد که ما چه کنیم تا محیط دانشگاه، محیطی باشد که در آن، پرورش دانشجو، دینی، انقلابی، توأم با آگاهی سیاسی و با روحیه و نشاط دانشجویی باشد. این، یکی از کارهایی است که شما باید بکنید. اگر شما

نکردید، دشمنان این ملت، نقطه‌ی مقابلش را خواهند کرد؛ کما اینکه الآن هم دارند می‌کنند و البته طرق مختلفی دارند" (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۰/۰۹/۲۰). همچنین در جای دیگر بر این وظیفه‌ی استادان در دانشگاه مسئولیت اجتماعی محور تأکید می‌فرمایند: "اساتید و مدیران مراکز آموزشی و تحقیقاتی، در کنار اهتمام بلیغ نسبت به ارتقای سطح دانش و پژوهش - که پایه‌ی اصلی رشد و توسعه کشور محسوب می‌گردد- بر اسلامی کردن محیط آموزش و زدودن آثار سوء فرهنگ وارداتی و تقویت بنیه‌ی دینی و سیاسی دانشجویان و دانش‌آموزان - که امیدهای آینده کشورند- همت گمارند و با برنامه‌های ابتکاری و ضربتی، ریشه‌کن ساختن بی‌سوادی و گسترش دانش در سطح جامعه را چون هدفی مقدس تعقیب کنند" (پیام به ملت ایران به مناسبت چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف)، ۱۳۶۸/۰۴/۲۳).

وظایف و مسئولیت دانشجویان در مدل مسئولیت اجتماعی دانشگاه

دانشجویان نیز همپای استادان خویش هم در حوزه‌ی نرم‌افزاری و اندیشه‌ای و هم در حوزه‌ی سخت‌افزاری و میدانی می‌توانند در تحقق مدل مسئولیت اجتماعی دانشگاه مؤثر واقع شوند. پوشش‌های دانشجویی و مطالبه‌گری صحیح و به‌جای آنان می‌تواند نقش بسیار مؤثری در تحقق رسالت‌های دانشگاه مسئولیت اجتماعی محور داشته باشد. به‌طور کلی، با نگاهی مدیریتی و سازمانی به دانشگاه می‌توان اذعان کرد که نقش اعضای این سازمان در تحقق اهداف و رسالت‌ها و همچنین دستیابی به موفقیت بسیار حائز اهمیت است. همان‌طور که نقش یک سازمان در موفقیت اعضای خود غیرقابل‌انکار است. در همین راستا، مقام معظم رهبری در تبیین وظایف دانشجویان در تحقق مدل دانشگاه مسئولیت اجتماعی محور می‌فرمایند: "شما دانشجویان و دانش‌آموزان چه پسران و چه دختران وظایف سنگینی بر دوش دارید. غیر از وظیفه‌ی درس خواندن که وظیفه‌ی دانشجویی و دانش‌آموزی است، وظیفه‌ی انقلابی بر دوش دارید وظیفه‌ی اسلامی و دینی هم بر دوش دارید. چه در محیط دانشگاه‌ها و چه در محیط مدارس. این مبارزه، مبارزه‌ی امروز و یک روز و دو روز و یک سال و دو سال نیست. مبارزه‌ی نسل‌هاست و آن نسلی که از مبدأ و آغاز انقلاب فاصله گرفته است، اگر بخواهد ایران را به عزت برساند و بسازد و عظمت ببخشد و الگوی زنده‌ای در مقابل ملت‌های دیگر قرار دهد و بینی استکبار را به خاک بمالد، باید یک نسل انقلابی و اسلامی و متدین باشد و آن، شما هستید. امروز دانشجویید، امروز دانش‌آموزید و فردا گردانندگان چرخ‌های این کشورید. امروز خودتان را بسازید. دانشگاه‌ها را بسازید. محیط دانشگاه را محیط انقلابی و اسلامی کنید.

محیط دبیرستان‌ها را نیز همین‌طور. نمی‌بینید که دشمن، بیشترین توجهش را به این محیط‌ها معطوف کرده است؟! این برای چیست؟ برای این است که از این محیط‌ها می‌ترسد. در محیط دانشگاه، جوانان انقلابی و مسلمان باید مانند یک دست، مانند یک تن، با فکر اسلام و انقلاب حرکت کنند. محیط را محیط انقلابی و اسلامی کنید. از هر چیزی که مخل به این یگانگی در راه خدا و در راه انقلاب باشد پرهیز کنید تا بتوانید دانشگاهی را بسازید که فردای ایران را تأمین کند. جمهوری اسلامی را در مقابل دشمنان و بدخواهان و ملت ایران را در مقابل دوستان و امیدواران عالم روسفید کنید" (بیانات در دیدار دانش‌آموزان، دانشجویان، معلمان و پرستاران، ۱۳۷۱/۰۸/۱۳).

نتیجه‌گیری

ظهور دانشگاه در اروپا با سيطرة‌ی کلیسا بر آن هم‌زمان است که در نتیجه تاریخ، شاهد حاکمیت اندیشه‌های دینی بر دانشگاه بوده است اما در سده‌های هجدهم به بعد اندیشه‌های نوین جایگزین اندیشه‌های دینی می‌شود و زمینه برای تأسیس دانشگاه مدرن شکل می‌گیرد. سخن گفتن از ماهیت دانشگاه کار ساده‌ای نیست. البته صحبت از ماهیت دانشگاه در جهان بسیار ساده‌تر است، زیرا دانشگاه در یک روند مشخص در مداری قرار گرفته است که انتظارات از آن بر اساس نیازهای جامعه تعیین شده است که می‌توان از دو نظریه‌ی عمده نئولیبرالیسم و نئوسوسیالیست در این زمینه یاد کرد. بر همین اساس، در توصیف و تبیین ماهیت دانشگاه‌ها در دنیا می‌توان از دو روش بررسی ویژگی‌های نسل اول تا چهارم دانشگاه‌ها و بررسی چشم-اندازهای دانشگاه‌ها بهره برد اما در ایران، برای حرکت از درک صنعتی به درک فرهنگی از دانشگاه لازم است به طرح یا مدلی از دانشگاه برسیم که نگاه متعالی نسبت به دانشگاه را تأمین نماید. از دیدگاه نگارنده، مدل مسئولیت اجتماعی دانشگاه می‌تواند در این راستا بسیار مؤثر باشد. در توضیح مدل مسئولیت اجتماعی دانشگاه ابتدا رسالت‌ها و سپس وظایف و نقش اعضای هیئت‌علمی در مدل مسئولیت اجتماعی محور و وظایف و مسئولیت دانشجویان در مدل مسئولیت اجتماعی محور توضیح داده شدند. رسالت‌ها و مأموریت‌های دانشگاه در مدل مسئولیت اجتماعی محور شامل رسالت‌های دانشگاه در حوزه‌ی منابع انسانی، رسالت‌های دانشگاه در پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه، رسالت‌های دانشگاه در افزایش استقلال و عزت و اقتدار کشور، رسالت‌های دانشگاه در فرهنگ‌سازی در مسائل مختلف، رسالت‌های دانشگاه در دستیابی به عدالت اجتماعی و رسالت‌های دانشگاه در حفظ و تداوم انقلاب اسلامی است و

وظایف استادان و دانشجویان نیز هم در حوزه‌ی نرم‌افزاری و اندیشه‌ای و هم در حوزه‌ی سخت‌افزاری و میدانی قابل تصور است.

منابع

۱. شیرینی، حامد (۱۳۹۲). شاخص‌های دانشگاه در جامعه دانش: الگویی برای ارزیابی دانشگاه‌ها در جامعه جدید. *مهندسی فرهنگی*، ۸ (۷۷)، ۲۴۸-۲۲۰.
۲. ماحوزی، رضا (۱۳۹۹). آیا تغییری در الگوی دانشگاهی در راه است؟ درنگی فلسفی بر ایده فلسفی دانشگاه در آینده پساکروناپی جهان. *مجله پژوهش‌های فلسفی دانشگاه تبریز*. ۱۴ (۳۱)، ۲۷۹-۳۰۴.
۳. محمدپور، سمانه؛ سالارزهی، حبیب‌الله؛ وظیفه، زهرا؛ یعقوبی، نورمحمد و کمالیان، امین‌رضا (۱۳۹۸). طراحی و تدوین الگوی جامع دانشگاه کارآفرین با رویکرد فرا ترکیب. *دو فصلنامه مدیریت در دانشگاه اسلامی*، ۸ (۱۸)، ۳۸۶-۳۶۹.
۴. محمدی چابکی، رضا (۱۳۹۸). فلسفه آموزش عالی ماهیت و قلمرو. *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، ۱۲ (۴۷): ۷-۳۲.
5. <https://ssrn.com/abstract=3022717>.
6. <https://ssrn.com/abstract=3022727>.
7. Lukovics, Miklós and Zuti, Bence (2017). New Functions of Universities in Century XXI Towards "Fourth Generation" Universities. *academia.edu* 9: Paper ID: 20371078. (2017). San Francisco, California.
8. Lukovics, Miklós and Zuti, Bence (2017). Successful Universities towards the Improvement of Regional Competitiveness: 'Fourth Generation' Universities.